خط طلاق

شانه های پدر

«شیرین» طعم تلخ زندگی را درست چندماه بعد از عروس شدن تجربه کرده بود. خیلی ها به او به چشم حسرت نگاه می کردند. برای یك دختر کم نبود که دانشجوی پزشکی در دانشگاه باشد.
«شیرین» به طرف دانشکده در حال قدم زدن بود که نگاهش به تارخ افتاد تارخ سلام داد! صدای قشنگ تارخ تا انتهای قلبش رخنه کرده بود. درست شش ماه بود که هر روز و هر شب اش را به امید دیدن تارخ وحرف زدن با او می گذراند بالاخره امتحانات ترم هشت تمام شد. تارخ و مادرش با یك دسته گل به خانه شان آمده بودند. شیرین با دیدن مخالفت پدر و مادر، در اتاقش نشسته بود. انگار برای رسیدن به تارخ قهر کردن و اعتصاب غذا بهترین راه بود. یك هفته بعد شیرین به خواسته اش رسید. آن ها خیلی زود سر سفره عقد نشستند و زیر یك سقف رفتند. شیرین از دانشگاه به خانه برگشت. درست اولین ماهگرد ازدواج شان بود. چند شاخه گل سرخ را در گلدان آشپزخانه گذاشت. امروز طبق برنامه تارخ باید کشیك باشد. به طرف اتاق خواب رفت، با دیدن تارخ که روی تخت خوابیده بود، یکه خورد تارخ آن روز حتی حاضر نشد جواب شیرین را بدهد. از آن شب به بعد تارخ به کلی تغییر کرده بود. انگار نه انگار که شیرین را دوست دارد. «شیرین» حس می کرد اگر در خانه در کنار تارخ نباشد، برای هر دوی آنان بهتر است. روزهای سختی داشت تا این که یک روز وقتی در خانه بود بی حوصله نگاهش به کت تارخ افتاد آن را برداشت و دستش را در جیب کت کرد. باور نمی کرد قرص های ویژه بیماران روانی در دستانش بودشیرین احساس دلشوره می کرد. باید می فهمید چه بلایی سر شوهرش آمده است. خوب می دانست شوهرش درس و فعالیت های علمی اش را کنار گذاشته است. با خودش فکر کرد نکند، زیر سرش بلند شده باشد، نکند در گیر باندی شده باشد، نکند.... عینك دودی را روی صورتش جا به جا کرد، خب این طور تارخ نمی توانست او را بشناسد. این طور تارخ... با تعجب متوجه شد که تارخ در مقابل یك ساختمان خودرو را متوقف کرد. از راننده تاکسی خواست کمی جلوتر نگه دارد و از آینه، تارخ را کنترل کند. تارخ به یك مطب وارد شد و بعد از نیم ساعت بیرون رفت. شیرین خودش را به پای میز منشی رساند. من دانشجوهستم برای یك کار تحقیقاتی می خواهم با دکتر حرف بزنم. جلوی میز دکتر نشست.
آقای دکتر من شیرین، زن تارخ هستم. شوهرم چه مشکلی دارد؟ نگاه دلسوزانه دکتر روی او متوقف شده بود. دخترم شوهرت از هشت سال پیش تحت نظر من است. او دچار یك بیماری شدید روانی است تو باید بدانی که هر چند ماه یك بار این بیماری به شدت بروز می کند و بعد با دارو ما او را آرام می کنیم. شیرین به آرامش بعد از توفان فکر کرد. چرا به من نگفتید پسرتان بیمار است؟ پاسخ مادر شوهر در میان گریه های شیرین گم شده بود. دخترم فکر می کردیم اگر زن بگیرد خوب می شود. شیرین خوب می دانست داروی یك بیماری روانی نیست تارخ دوستش داشت یا نداشت دیگر مهم نبود، از این که همه دست به دست هم داده و او را فریب داده بودند، ناراحت بود. سرش را روی شانه های پدر گذاشت و شروع به گریه کرد. پدر فریبم دادند، مرا ببخش که به حرف هایت بی توجهی کردم.
زودتر از تصور تارخ آن ها در دادگاه خانواده بودند تارخ اشک می ریخت و از عشق می گفت اما شیرین می خواست از این فضای پر ابهام رها شود...

کتک خوردن زن به خاطر جراحی زیبایی!

مسافر اروپا وقتی به خانه اش در ایران بازگشت زنی را دید که نمی شناخت و وقتی راز عجیب را شنید شوکه شد.
او آن قدر عصبانی شده بود که به خنده های زن توجهی نکرد و او را به باد کتک گرفت.
چندی قبل زن جوانی که به شدت از سوی شوهرش کتک خورده بود به بیمارستان منتقل شد و دختر جوان که مادرش را همراهی می کرد با گریه ادعا کرد پدرش این بلا را سر مادرش آورده است.
این صحنه در حالی رخ داده بود که چسب روی بینی زن جوان نشان از عمل زیبایی او داشت. زن جوان از ناحیه بینی و فک دچار شکستگی شده بود و درد زیادی را تحمل می کرد که پزشکان دست به کار شدند و پس از تزریق چند داروی آرام بخش شروع به درمان زن کردند.

■ **زندگی عاشقانه**

زن جوان که منیر نام دارد پس از درمان به ماموران که به بیمارستان پا گذاشته بودند، گفت: سال ها قبل برای دیدن خواهرم به کشور ایتالیا رفتم و در هواپیما با مرد شیک پوشی که امیر نام داشت آشنا شدم.
وی افزود: خانواده ام وضعیت مالی خوبی دارند و در سفر ایتالیا یک بار با امیر ملاقات کردم و در آن جا متوجه شدم او مدیر یک شرکت خصوصی است و شرایط مالی خوبی دارد اما وضعیت مالی امیر برای من مهم نبود و تنها رفتار و شیک بودنش مرا دل باخته خودش کرد.
این زن ادامه داد: بعد از یک ماه به ایران بازگشتم و به دیدن امیر رفتم، پس از مدتی با توجه به شناخت بیشتر همدیگر تصمیم به ازدواج گرفتیم، امیر همراه خانواده اش به خواستگاری ام آمد و خانواده ام نیز با توجه به صحبت ها و تحقیقاتی که خودشان کرده بودند به این خواستگاری جواب مثبت دادند و با هم ازدواج کردیم. همه چیز خوب پیش می رفت، امیر کمی بداخلاق بود اما مرد خوبی بود و کمتر با هم مشکل داشتیم و پس از چند سال دخترانم به دنیا آمدند، در ۳۹ سالگی صاحب دو دختر بودم و به خاطر زایمان های سختی که داشتم مدتی بعد دچار افسردگی شدم.
منیر به سختی ادامه داد: رفتارهای امیر تغییر کرده بود و بدخلقی می کرد اما هیچ وقت دست بزن نداشت، برای درمان افسردگی ام با راهنمایی شوهرم به سراغ یک مشاور رفتم که دکترم پیشنهاد داد خودم را مشغول ورزش کنم و تصمیم بر آن شد که برای سرگرم شدن و رهایی از فکر و خیال های منفی ورزش کنم.
شوهرم نیز پذیرفت و در یک باشگاه ورزشی ثبت نام کردم آن جا دوستان زیاد و خوبی پیدا کردم و با توجه به این که بچه هایم بزرگ شده بودند در زمان سفرهای خارجی شوهرم نگرانی ام کمتر بود و بیشتر با دوستانم بودم و ورزش می کردم.
منیر گفت: دوستانم عمل های زیبایی کرده بودند و پیشنهاد دادند تا من هم برای سورپرایز کردن شوهرم عمل زیبایی کنم به همین خاطر منتظر ماندم تا شوهرم به یک سفر خارجی طولانی مدت برود تا من در فرصت مناسب این عمل زیبایی را انجام دهم.
از قبل هماهنگی ها انجام شد و تصمیم بر آن شد که عمل جراحی زیبایی بینی، پلک و گونه هایم را انجام دهم و روزی که شوهرم به ماموریت کاری سه هفته ای به خارج از کشور رفت من نیز زیر تیغ جراح زیبایی رفتم.

■ **کتک کاری**

سه هفته از عمل زیبایی ام گذشت و روی بینی ام چسب داشتم و روی صورتم هنوز کبودی بود تا این که شوهرم به خانه بازگشت، امیر وقتی مرا دید ابتدا فکر کرد که من تصادف کرده ام و گفت چرا درباره تصادف حرفی نزدی که من با لبخند گفتم نمی خواستم ناراحتت کنم که در همین لحظه دختر بزرگم از اتاقش بیرون آمد و با خنده گفت که تصادف کجا بود؟! مامان عمل زیبایی کرده است.
وقتی صحبت دخترم تمام شد و من با لبخند منتظر خوشحالی شوهرم بودم در چهره اش عصبانیت را دیدم او مرا به باد کتک گرفت به حدی که بینی و فکم شکسته شد و همسایه ها به دادم رسیدند وگرنه معلوم نبود چه بلایی سرم بیاید.

■ **شکایت از شوهر**

منیر که روی تخت بیمارستان بود گفت: دیگر امنیت جانی ندارم و شاید دیگر صورتم درست نشود، از شوهرم شاکی هستم و می خواهم از او جدا شوم.
بدین ترتیب ماموران وارد عمل شدند و به سراغ امیر رفتند و او را دستگیر کردند که امیر در دفاع از خود به ماموران گفت: من، همسر و فرزندانم را دوست دارم و حتی عاشق زنم هستم و روز اول که با منیر آشنا شدم به چهره اش علاقه مند شدم و پس از آن بود که رفتارش مرا شیفته خودش کرد.
وی افزود: قبول دارم برخی اوقات بد اخلاقی می کنم ولی وقتی از سفر آمدم ابتدا فکر کردم همسرم تصادف کرده است و کلی ناراحت شدم اما وقتی شنیدم همسرم عمل زیبایی کرده است عصبانی شدم چون هیچ وقت دوست نداشتم تغییری در چهره اش ببینم و دیگر کنترلم را از دست دادم.
مرد جوان ادامه داد: مجازات را می پذیرم و هر خسارتی باشد می پردازم اما حاضر به جدایی از همسرم نیستم، چون او را دوست دارم و نمی خواهم دخترانم در نوجوانی طعم جدایی ما را بچشند.

■ **پزشکی قانونی**

کارشناسان پزشکی قانونی برای منیر طول درمان دادند و شکستگی بینی و فک نیز تایید شد و بازپرس پرونده برای امیر پرداخت دیه و مجازات را خواستار شد.
سه ماه بعد از این ماجرا امیر و منیر به دادسرا رفتند و زن جوان که از شکایت خود گذشته بود، گفت: من قبول دارم که اشتباه کردم و باید برای عمل جراحی زیبایی از همسرم مشورت می گرفتم و وقتی صحبت های امیر را شنیدم به اشتباه خودم پی بردم، من عاشق امیر و بچه هایم هستم و شکایتم را پس می گیرم و قرار شد با هم به زندگی ادامه دهیم.

■ تحلیل کارشناس

کاهش هوش بدنی علت پناه بردن به جراحی زیبایی

دکتر ابراهیم اندرخورا
جامعه شناس و استاد دانشگاه

موضوع جراحی زیبایی به عنوان یک رفتار پذیرفته شده در جهان برای حل مشکلات و چالش های ظاهری افراد مورد توجه قرار گرفته است. هوش بدنی وقتی دچار چالش می شود فرد از تصویر و چهره خود راضی نیست و برای رسیدن به اهداف درونی خود و البته گاهی برای شکل گیری اهدافی خارج از باورهای درونی اقدام به عمل جراحی زیبایی می کند. در این باره به سه حوزه برمی خوریم که می توان آن ها را مورد تحلیل و نقد قرار داد. حوزه اول درباره زنانی است که همسران خود را مجبور به پرداخت هزینه های مرتبط و دادن رضایت برای انجام جراحی های زیبایی می کنند. حوزه دوم مربوط به آن زنانی می شود که بدون کسب رضایت و اجازه همسر خود به جراحی زیبایی اقدام می کنند که در زندگی با چالش های عدیده ای رو به رو می شوند و در نهایت سومین حوزه درباره مردانی است که بدون علاقه مندی همسر خود و صرفا برای خواسته و علایق شخصی خود زنان شان را مجبور به انجام جراحی زیبایی می کنند . هر کدام از این سه گروه تعیین شده چالش ها و آسیب های بی شماری را به جامعه و خانواده تحمیل می کند در گروه اول وقتی زن، شوهری را مجبور به پرداخت هزینه می کند یا به اجبار از او رضایت می گیرد به صورت طبیعی سازگاری نظام خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد و شکل گیری نبود سازگاری در نظام خانواده آسیب های مختلفی را به همراه می آورد. ضرب و شتم، قهرهای طولانی، سوء تفاهم، اختلالات خلقی و نارضایتی های زناشویی و... از جمله این آسیب ها به شمار می رود البته فشار اقتصادی تحمیل شده به خانواده سبب بروز بسیاری از آسیب ها نیز می شود. در گروه دوم زنانی که بدون اجازه شوهر و بدون کسب میل و رضایت وی به جراحی زیبایی اقدام می کنند دچار چالش هایی می شوند. تغییر نگرش شوهر راجع به همسر، نارضایتی علّی ریشه دار به ویژه بر اثر لجبازی، تعصبات و شکل گیری باورهای غیرواقعی و در نهایت این چالش های رفتاری به نارضایتی متقابل منجر می شود که تفاهم در خانواده را هدف می گیرد و در صورت کنترل مناسب این چالش متاسفانه بروز آسیب هایی چون طلاق عاطفی و رسمی دور از انتظار نیست. در گروه سوم زنانی که مرد به واسطه علایق و خواسته های شخصی خود زن را مجبور به چنین رفتاری می کند آسیب های جدی تری شکل می گیرد با توجه به این که زنان شنیداری و ذهنی هستند ووقتی شوهری زیبایی همسر خود را زیر سوال می برد و او را مجبور به جراحی زیبایی می کند یعنی ذهن زن راجع به توانایی ها، ظرفیت ها و خلاقیت های شخصیتی به هم می ریزد و این یک شروع بسیار خطرناک برای شکل گیری اتفاقاتی است که در واقع می توان آن را متوقف کرد. اغلب مردانی که خودباوری و پذیرش ظرفیت های شان ضعیف است تمایل به تغییر چهره دارند و به جراحی زیبایی علاقه مند هستند و آن ها از اصل زندگی که بنابر تصمیم های مشترک، اهداف یکسان، زبان گویا و... است، دور هستند برای این که خلأهای عاطفی و روانی خود را پنهان کنند.

می خواهم راز گشایی کنم

نامه مرموز دختر جنایتکار به دادگاه

دختر افیونی که به خاطر قتل مادرش محاکمه شده بود نامه ای به قضات دادگاه نوشت تا راز گشایی کند.

■ **مرگ مادر بیمار**

رسیدگی به این پرونده از هشتم فروردین امسال به دنبال مرگ مرموز یک زن ۶۰ ساله به نام زیبا در خانه اش در خیابان انقلاب آغاز شد. دختر وی به نام لیلا که با پلیس تماس گرفته بود، گفت: مادرم به بیماری فراموشی مبتلا و بسیار پرخاشگر بود. او روزانه تعداد زیادی قرص مصرف می کرد. آخرین بار من و مادرم با هم درگیر شدیم و مادرم با کارد آشپزخانه به سمتم حمله کرد. من برای دفاع از خودم او را هل دادم که سرش با دیوار برخورد کرد. من او را رها کردم و به سمت تراس رفتم تا قلیان بکشم اما مادرم بار دیگر با چاقو به سراغم آمد و بساط قلیان را به هم ریخت و با چاقو به پا و شکمم زد که زخمی شدم. من همان موقع خانه را ترک کردم و وقتی برگشتم متوجه شدم مادرم جان سپرده است. در حالی که پزشکی قانونی علت فوت را ضربه مغزی و خون ریزی اعلام کرده بود لیلا بازداشت شد و در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.
در جلسه دادگاه برادر لیلا، پدربزرگ و مادربزرگش برای وی حکم قصاص خواستند. لیلا در بازجویی ها گفت: یک روز مادرم زمین خورد و سرش آسیب دید. همین موضوع باعث شد تا حال او بدتر شود. مادرم به بیماری فراموشی مبتلا شد. او مشکل روانی داشت و حتی یک بار دست به خودکشی زده بود.
وی درباره آخرین درگیری با مادرش گفت: ۲۷ اسفند سال ۹۷ بود که من و مادرم با هم درگیر شدیم. من در حال قلیان کشیدن بودم که مادرم بساط قلیان را شکست و به سمتم حمله کرد. او نزدیک بخاری روی زمین افتاد و من بلافاصله بخاری را خاموش کردم و این آخرین دعوای ما با هم بود. روز هشتم فروردین امسال ما با هم هیچ درگیری نداشتیم. من از خانه بیرون رفته بودم تا داروهای مادرم را تهیه کنم امّا وقتی به خانه برگشتم متوجه شدم که کسی در را باز نمی کند. به همین خاطر با آتش نشانی تماس گرفتم و از پلیس کمک خواستم. آن جا بود که پلیس در را باز کرد و با جسد مادرم روبه رو شدیم. پیشانی مادرم خونی بود و من گمان می کنم او هنگامی که قصد داشت در خانه را برای من باز کند به زمین افتاد و سرش زخمی شد.

■ **نامه دختر جوان از زندان**

با پایان دفاعیات این دختر، قضات وارد شور شدند تا برای او حکم صادر کنند، اما وی نامه ای به قضات دادگاه نوشت و گفت: قصد دارد حرف های تازه ای را در دادگاه مطرح کند. بدین ترتیب او بار دیگر در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شد اما حرف تازه ای را مطرح نکرد. دختر جوان گفت: باور کنید من بی گناهم و مادرم را نکشتم. احتمالاً وقتی با او درگیر شدم و او را هل دادم سرش به دیوار برخورد کرده است.
من همان موقع برای خرید دارو از خانه بیرون رفتم و وقتی بازگشتم که مادرم فوت شده بود. سپس برادر لیلا گفت: من شاهد بودم لیلا بارها مادرم را که بدن ضعیفی داشت کتک زده بود. مادرم همیشه از او می ترسید. او سابقه خودکشی داشت و قبلا چند بار دست به خودکشی زده بود.
با پایان اظهارات این پدر و پسر قضات وارد شور شدند تا درباره این پرونده تصمیم گیری کنند.

تاسیس شرکت سهامی خاص آفرینش نسل مانا درتاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱
به شماره ثبت ۶۵۱۰۹ به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۷۳۲۲۱۰
ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.
موضوع فعالیت : ۱ -تاسیس مرکز ارائه خدمات پزشکی اعم از کلینیک ، پاراکلینیک و داروخانه - تجهیز و راه اندازی مرکز پزشکی تخصصی و فوق تخصصی - شرکت در مزایده و مناقصات بیمارستان های خصوصی و دولتی که در زمینه خدمات پزشکی برگزار می گردد . ، ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان خراسان رضوی - شهرستان مشهد - بخش مرکزی - شهر مشهد-احمد آباد-میدان شریعتی (تقی آباد)-خیابان کوهسنگی-پلاک ۳۱-طبقه اول-واحد ۴کدپستی ۹۱۷۶۶۹۹۶۱۱سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی منقسم به ۱۰۰۰سهم ۱۰۰۰۰ریالی تعداد ۱۰۰۰سهم آن با نام عادی مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۶۰۹۷۲۳۳۰۴۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۳۱ نزد بانک رفاه کارگران شعبه بیمارستان قائم مشهد با کد ۹۵۰ پرداخت گردیده است اعضا هیئت مدیره آقای محمد مهدی رئیس ستاری به شماره ملی ۰۰۵۳۹۱۹۸۲۳و به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال آقای سید علی تقویان نوغان به شماره ملی ۰۰۷۲۷۰۹۷۸۲و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم ملیحه حسن زاده مفرد به شماره ملی ۰۶۵۱۷۶۵۹۷۸و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم فاطمه تارا به شماره ملی ۰۶۸۱۷۴۲۵۰۱و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت۲ سال آقای محسن جلالی به شماره ملی ۰۸۷۰۲۶۸۵۰۳و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال خانم نفیسه ثقفی به شماره ملی ۰۹۳۸۴۶۷۳۶۰و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال دارندگان حق امضا : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه بازرسان آقای مجید مجرد به شماره ملی ۰۹۳۰۸۱۲۶۵۴به سمت بازرس اصلی به مدت یک سال مالی خانم معصومه سادات آل رسول به شماره ملی ۰۹۴۵۲۷۹۸۳۳ به سمت بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی روزنامه کثیر الانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۶۶۳۰۳۰) م/۹۸۱۱۲۵۹۶

یکی از دلایل مهم اثر بخش نبودن بعضی از تبلیغات، باور نداشتن تبلیغ توسط سفارش دهنده است.

((آگهی مناقصات عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی))

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد با رعایت مفادآیین نامه معاملات شرکت های آب و فاضلاب شهری و استانی و از طریق مناقصات عملیات مشروحه ذیل را به پیمانکاران ذیصلاح واگذار نمایید .

ردیف	موضوع	مدت اجرا	مبلغ برآورد اولیه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	رتبه و رشته موردنیاز	نوع تضمین شرکت در مناقصه
۱	اجرای عملیات اصلاح شبکه و نصب مجدد انشعابات فرسوده آب بصورت پراکنده در سطح منطقه ۳	۱۲ ماه	۷/۸۲۶/۰۳۸/۱۱۵	۳۹۲/۰۰۰/۰۰۰	رتبه ۵ آب از سازمان مدیریت و برنامه ریزی	۱. واریز نقدی به حساب جاری شماره ۰۱۰۰۰۵۰۰۰۵بانکی پاسارگاد شعبه آبفای مشهد ۲. ضمانتنامه بانکی ۳. اوراق مشارکت ۴. چک تضمین شده بانک
۲	اجرای عملیات برون سپاری راهبری و کنترل فرآیند و تصفیه آب با کیفیت شرب، مراقبت، نگهداری و بهره برداری و تعمیرات کلیه تجهیزات و تأسیسات برقی و ابزار دقیق، مکانیکی، ساختمانی تصفیه خانه آب شماره یک و دو مشهد و مخزن تعادلی ارداک و تأسیسات وابسته	۲۴ ماه	۴۴/۰۰۷/۶۹۴/۳۴۸	۱/۴۸۵/۰۰۰/۰۰۰	گواهی نامه صلاحیت بهره برداری تصفیه خانه های آب پایه ۴ از شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور	

۱. تاریخ و محل دریافت اسناد ارزیابی کیفی از تاریخ ۱۳۹۸/۹/۱۶ لغایت ۱۳۹۸/۹/۲۰ از محل دفتر قراردادهای شرکت آب و فاضلاب مشهد و یا در سایت اینترنتی http://iets.mporg.ir قابل دریافت می باشد .۲. آخرین مهلت عودت پاکات اسناد ارزیابی کیفی تکمیل شده : پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۴ و به آدرس مشهد، خیابان فلسطین، فلسطین ۲۶، دبیرخانه مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد می باشد ، تلفن ۳۷۰۰۸۱۲۴ .
۳. مدت اعتبار پیشنهادات از تاریخ تحویل پاکات پیشنهاد قیمت به مدت سه ماه می باشد . ۴. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصات می باشد.

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب مشهد

د/۹۸۱۱۴۴۸۷

صفحه آرایی

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

یک شرکت دارویی در مشهد
در نظر دارد حلال های بازیافتی مازاد بر نیاز خود را به فروش برساند. متقاضیان واجد شرایط میتوانند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۰۹۱۵۵۰۸۳۹۰۸و۰۵۱۳۳۹۲۴۰۹۷-۸ آقای مهندس انتظاری تماس حاصل نمایند.
م/۹۸۱۱۴۴۲۴